

# تاریخ تحولات سیاسی و اداری در ایران

(از عصر خانیان تا پایان دوره اول حکومت بنی العباس)

«جلد اول»

دکتر سید علی علوی

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)  
تهران: بزرگراه شهید چمران،  
پل مدیریت  
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲  
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵  
E-mail: isu.press@yahoo.com



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

تاریخ تحولات سیاسی و اداری در ایران از عصر هخامنشیان تا پایان دوره اول حکومت بنی العباس (جلد اول)  
تألیف: دکتر سید علی علوی ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ ویراستار ادبی: سجاد عبادی  
چاپ اول: ۱۳۹۰ ■ قیمت: ۹۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: زلال کوثر  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۰۹-۵

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: علوی، علی، -  
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ تحولات سیاسی و اداری در ایران / علی علوی.  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ -  
مشخصات ظاهری: ج ۱.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۰۹-۵؛ ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۰۹-۵  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
مندرجات: ج ۱. (از عصر هخامنشیان تا پایان دوره اول حکومت بنی العباس)  
موضوع: اسلام -- تاریخ  
موضوع: ایران -- تاریخ  
موضوع: ایران -- سیاست و حکومت -- تاریخ  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۲۰۹۲ع/۱۰۹/DSR  
رده بندی دیویی: ۹۵۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۹۵۰۶۸

## فهرست مطالب

|                                                                |    |
|----------------------------------------------------------------|----|
| سخن ناشر.....                                                  | ۱۳ |
| مقدمه.....                                                     | ۱۵ |
| بخش اول: تاریخ تحولات سیاسی و اداری در ایران پیش از اسلام..... | ۲۳ |
| فصل ۱. تاریخ تحولات سیاسی و اداری در عصر هخامنشیان.....        | ۲۵ |
| گستره جغرافیایی دولت هخامنشیان.....                            | ۲۶ |
| سازمان‌های اداری شاهنشاهی هخامنشی.....                         | ۲۷ |
| سازمان مرکزی و دربار شاهنشاهی.....                             | ۲۸ |
| شوراهای دولتی.....                                             | ۲۹ |
| اداره امور ایالات یا ساتراپ نشین‌ها.....                       | ۳۰ |
| چگونگی برقراری ارتباط بین ایالات.....                          | ۳۱ |
| دریانوردی در عصر هخامنشیان.....                                | ۳۲ |
| سازمان اداری یا دیوانسرا در عهد هخامنشیان.....                 | ۳۴ |
| اداره امور مالی در عصر هخامنشیان.....                          | ۳۷ |
| ضرب سکه.....                                                   | ۳۸ |

|          |                                                       |
|----------|-------------------------------------------------------|
| ۳۹.....  | ارتش و تشکیلات نظامی                                  |
| ۴۰.....  | تشکیلات نظامی                                         |
| ۴۳.....  | تشکیلات قضایی                                         |
| ۴۷.....  | جمع بندی                                              |
| ۵۱.....  | یادداشت‌ها                                            |
| ۵۹.....  | فصل ۲: تحولات سیاسی و اداری در عصر سلوکیان و اشکانیان |
| ۵۹.....  | اوضاع سیاسی و اداری در عصر سلوکیان                    |
| ۶۳.....  | شیوه اداره کشور در زمان اسکندر                        |
| ۶۵.....  | اداره امور کشور در زمان سلوکیان                       |
| ۶۷.....  | تشکیلات مالی و منابع درآمد سلوکیان                    |
| ۷۰.....  | تحولات سیاسی و اداری در عصر اشکانیان                  |
| ۷۲.....  | چگونگی تشکیل دولت اشکانیان                            |
| ۷۶.....  | شیوه حکومت اشکانیان                                   |
| ۷۷.....  | تشکیلات اداری اشکانیان                                |
| ۷۸.....  | مجلس مهستان                                           |
| ۸۰.....  | تشکیلات نظامی اشکانیان                                |
| ۸۲.....  | جمع بندی                                              |
| ۸۴.....  | یادداشت‌ها                                            |
| ۸۷.....  | فصل ۳: تحولات سیاسی و اداری در عصر ساسانیان           |
| ۸۷.....  | چگونگی به وجود آمدن سلسله ساسانیان                    |
| ۹۴.....  | گستره جغرافیایی حکومت ساسانیان                        |
| ۹۵.....  | طبقات اجتماعی                                         |
| ۱۰۱..... | تعامل دین و دولت در دوره ساسانیان                     |
| ۱۰۳..... | تشکیلات قضائی در عصر ساسانیان                         |
| ۱۰۵..... | ساختار سیاسی عهد ساسانیان                             |

|                                                            |     |
|------------------------------------------------------------|-----|
| نظام اداری در عصر ساسانیان.....                            | ۱۰۷ |
| نظام ایالات در عصر ساسانی.....                             | ۱۱۰ |
| تشکیلات نظامی عصر ساسانیان.....                            | ۱۱۱ |
| نظام مالی در عصر ساسانیان.....                             | ۱۱۲ |
| خراج سرانه.....                                            | ۱۱۶ |
| اوضاع اجتماعی ایرانیان پیش از اسلام.....                   | ۱۱۸ |
| جمع بندی.....                                              | ۱۲۰ |
| یادداشت ها.....                                            | ۱۲۴ |
| بخش دوم: تاریخ تحولات سیاسی و اداری ایران پس از اسلام..... | ۱۲۷ |
| مقدمه.....                                                 | ۱۲۹ |
| فصل ۴. دوره زعامت رسول گرامی اسلام.....                    | ۱۳۱ |
| ظهور اسلام و پیامدهای آن.....                              | ۱۳۱ |
| بعثت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله.....             | ۱۳۳ |
| مرحله ابلاغ و دعوت به اسلام (مرحله تبشیر و تبلیغ).....     | ۱۳۳ |
| سفر رسول خدا صلی الله علیه و آله به طائف.....              | ۱۳۶ |
| پیمان عقبه.....                                            | ۱۳۷ |
| بیعت عقبه اول.....                                         | ۱۳۷ |
| بیعت عقبه دوم.....                                         | ۱۳۸ |
| مرحله ولایت و رهبری.....                                   | ۱۴۰ |
| هجرت به مدینه.....                                         | ۱۴۲ |
| قرار مسالمت آمیز مسلمانان با یهودیان مدینه.....            | ۱۴۴ |
| قرار برادری میان مهاجر و انصار.....                        | ۱۴۵ |
| دعوت سلاطین بلاد مجاور به اسلام.....                       | ۱۴۵ |
| هیأت های نمایندگی (وفدهای) عرب که به مدینه آمدند.....      | ۱۴۸ |

|                                                                  |            |
|------------------------------------------------------------------|------------|
| غزوات رسول خدا.....                                              | ۱۵۴        |
| عریف و نقیب.....                                                 | ۱۵۶        |
| نظام حکومت در عصر پیامبر.....                                    | ۱۵۸        |
| دبیران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله.....                       | ۱۶۰        |
| مهر یا خاتم رسول خدا (صلی الله علیه و آله).....                  | ۱۶۲        |
| منابع و درآمدهای مالی.....                                       | ۱۶۳        |
| عاملین زکات در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله.....            | ۱۶۷        |
| جزیه و خراج و چگونگی وضع و اخذ آن در زمان رسول خدا.....          | ۱۶۸        |
| فطریه‌ها و غنیمت‌ها در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله.....    | ۱۷۳        |
| آنچه در مورد اعطایی اقطاعات رسول خدا نقل کرده‌اند.....           | ۱۷۳        |
| قاضیان منصوب از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله.....              | ۱۸۰        |
| جایگاه حربه و محتسب در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله).....  | ۱۸۱        |
| کارگزاران رسول خدا (ص) هنگامی که خدا وی را به جوار خویش برد..... | ۱۸۳        |
| ساده زیستی رسول الله (ص).....                                    | ۱۸۴        |
| جمع بندی.....                                                    | ۱۸۷        |
| یادداشت‌ها.....                                                  | ۱۹۳        |
| <b>فصل ۵. حوادث سیاسی پس از رحلت رسول گرامی اسلام.....</b>       | <b>۲۰۷</b> |
| توجیه مشروعیت شیوه‌های حکومت در عالم اسلام.....                  | ۲۱۹        |
| جمع بندی.....                                                    | ۲۲۴        |
| یادداشت‌ها.....                                                  | ۲۲۸        |
| <b>فصل ۶. تحولات سیاسی و اداری در دوران حکومت ابوبکر.....</b>    | <b>۲۳۹</b> |
| ماجرای سقیفه و چگونگی انتخاب ابوبکر.....                         | ۲۴۰        |
| شیوه بیعت گرفتن ابوبکر.....                                      | ۲۴۳        |
| جنگ با مرتدین.....                                               | ۲۴۵        |
| چگونگی اداره امور عمومی در زمان ابوبکر.....                      | ۲۵۱        |

|          |                                                       |
|----------|-------------------------------------------------------|
| ۲۵۲..... | قاضیان و کاتبان ابوبکر و عمال وی بر زکات              |
| ۲۵۳..... | جمع بندی                                              |
| ۲۵۷..... | یادداشت‌ها                                            |
| ۲۵۹..... | فصل ۷. تاریخ تحولات سیاسی و اداری در دوره عمر         |
| ۲۵۹..... | چگونگی به خلافت رسیدن عمر                             |
| ۲۶۰..... | تشکیلات سیاسی و اداری در زمان خلافت عمر               |
| ۲۶۰..... | تشکیل دیوان عطایا                                     |
| ۲۶۲..... | دیوان جیش (سباه)                                      |
| ۲۶۲..... | ذکری از عطایا در خلافت عمر بن خطاب                    |
| ۲۶۵..... | اعزام حکام و کارگزاران به بلاد اسلامی                 |
| ۲۶۷..... | تاریخ نهادن عمر برنامه‌ها                             |
| ۲۶۹..... | صدور حواله‌های مهور                                   |
| ۲۷۰..... | وضع مالیات در زمان عمر                                |
| ۲۷۲..... | وضع مالیاتی تحت عنوان عشریا عشریه                     |
| ۲۷۳..... | صوافی                                                 |
| ۲۷۵..... | مصادره اموال کارگزاران                                |
| ۲۷۷..... | نظر در مظالم (دادرسی)                                 |
| ۲۷۹..... | تقسیم ولایات در زمان عمر                              |
| ۲۷۹..... | عاملان عمر بر ولایات در آخرین سال حکومتش              |
| ۲۷۹..... | واپسین روزهای زندگی عمر                               |
| ۲۸۴..... | جمع بندی                                              |
| ۲۸۹..... | یادداشت‌ها                                            |
| ۲۹۷..... | فصل ۸. تاریخ تحولات سیاسی و اداری در دوره خلافت عثمان |
| ۲۹۸..... | چگونگی اداره امور عمومی در زمان عثمان                 |
| ۳۰۱..... | عاملان عثمان در سال آخر حکومتش                        |

|          |                                                                               |
|----------|-------------------------------------------------------------------------------|
| ۳۰۲..... | جمع بندی.....                                                                 |
| ۳۰۵..... | فصل ۹. تاریخ تحولات سیاسی و اداری در دوره حکومت حضرت علی (ع).....             |
| ۳۰۵..... | چگونگی به خلافت نشستن امیرالمؤمنین علی (ع).....                               |
| ۳۰۷..... | اعزام کارگزاران بلاد.....                                                     |
| ۳۰۸..... | جنگ هایبی که بر امیرالمؤمنین علی (ع) تحمیل شد.....                            |
| ۳۰۹..... | جنگ جمل.....                                                                  |
| ۳۱۳..... | رفتار حضرت علی (ع) با جنگاوران جنگ جمل.....                                   |
| ۳۱۴..... | انتخاب کوفه به عنوان مرکز خلافت.....                                          |
| ۳۱۵..... | جنگ صفین.....                                                                 |
| ۳۲۰..... | گفتگو بر سر داوری.....                                                        |
| ۳۲۲..... | جنگ نهروان.....                                                               |
| ۳۲۴..... | روش مولی امیرالمؤمنین علی (ع) در اداره امور مالی.....                         |
| ۳۲۴..... | منابع درآمد بیت المال در زمان امیرالمؤمنین علی (ع).....                       |
| ۳۲۸..... | چگونگی تقسیم بیت المال در زمان امیرالمؤمنین علی (ع).....                      |
| ۳۳۱..... | عدالت اجتماعی و امنیت شهروندان در مکتب علوی.....                              |
| ۳۳۵..... | گستره عدالت علوی.....                                                         |
| ۳۳۹..... | رسیدگی امیرالمؤمنین علی (ع) به امور حسبه و التزام به رعایت حقوق شهروندان..... |
| ۳۴۲..... | اعزام برای بازرسی و نظارت بر کارگزاران.....                                   |
| ۳۴۴..... | جمع بندی.....                                                                 |
| ۳۴۹..... | یادداشت ها.....                                                               |
| ۳۵۷..... | بخش سوم: حکومت مروئی خلفایا (دوره سلطنت عرب).....                             |
| ۳۵۹..... | فصل ۱۰. تحولات سیاسی و اداری در عصر حکومت امویان.....                         |
| ۳۵۹..... | بازگشت امویان به قدرت.....                                                    |
| ۳۶۲..... | تلاش معاویه برای گرفتن بیعت برای یزید.....                                    |

|          |                                                      |
|----------|------------------------------------------------------|
| ۳۶۴..... | از میان برداشتن رقبای احتمالی یزید در امر خلافت..... |
| ۳۷۲..... | تحولات اداری در عهد امویان.....                      |
| ۳۷۳..... | تشکیلات دربار خلفای اموی.....                        |
| ۳۷۳..... | تشکیل گروه محافظ در عصر امویان.....                  |
| ۳۷۳..... | علائم خلافت.....                                     |
| ۳۷۵..... | نشانه‌ها (شارات) خلافت.....                          |
| ۳۷۶..... | سکه.....                                             |
| ۳۷۸..... | طراز.....                                            |
| ۳۸۱..... | تشکیلات دیوانی خلفای اموی.....                       |
| ۳۸۱..... | دبیران دارالخلافه.....                               |
| ۳۸۲..... | دیوان برید.....                                      |
| ۳۸۲..... | دیوان خاتم.....                                      |
| ۳۸۴..... | رسمی شدن زبان عربی در نوشتن دیوان‌ها.....            |
| ۳۸۶..... | امارت در عهد امویان.....                             |
| ۳۸۶..... | انواع امارت.....                                     |
| ۳۸۶..... | عمارت عامه.....                                      |
| ۳۸۷..... | امارت استکفاء.....                                   |
| ۳۸۸..... | امارت استیلاء.....                                   |
| ۳۸۸..... | امارت خاصه.....                                      |
| ۳۸۹..... | منابع درآمد در دوره معاویه.....                      |
| ۳۹۱..... | درآمد امویان از اخذ جزیه.....                        |
| ۳۹۲..... | ضرب سکه در زمان امویان.....                          |
| ۳۹۵..... | جمع بندی.....                                        |
| ۳۹۹..... | یادداشت‌ها.....                                      |

|                                                         |     |
|---------------------------------------------------------|-----|
| فصل ۱۱. تحولات سیاسی و اداری در عهد خلفای عباسی.....    | ۴۰۳ |
| چگونگی تشکیل دولت عباسیان و نقش ایرانیان در آن.....     | ۴۰۳ |
| تحولات سیاسی و اداری در دوره اول حکومت خلفای عباسی..... | ۴۱۲ |
| وزراء اماني در دوره اول خلافت بنی العباس.....           | ۴۱۴ |
| عواملی که موجب افول اقتدار عباسیان شد.....              | ۴۱۸ |
| دوره دوم حکومت خلفای عباسی.....                         | ۴۱۹ |
| تشکیلات اداری عهد عباسیان.....                          | ۴۲۱ |
| وزارت در عصر عباسیان.....                               | ۴۲۲ |
| وزارت تفویضی.....                                       | ۴۲۳ |
| وزارت تنفیذی.....                                       | ۴۲۲ |
| دبیری در عهد خلفای عباسی.....                           | ۴۲۴ |
| حاجبی در عصر عباسیان.....                               | ۴۲۴ |
| امارت یا استانداری در عهد عباسیان.....                  | ۴۲۵ |
| برید در عصر عباسیان.....                                | ۴۲۵ |
| قضاوت در عصر بنی العباس.....                            | ۴۲۶ |
| رسیدگی به مظالم در حکومت بنی العباس.....                | ۴۲۷ |
| محتسب و نظارت بر امور حسبه در حکومت عباسیان.....        | ۴۲۹ |
| منابع مالی عهد عباسیان.....                             | ۴۲۹ |
| تحولات سیاسی و اداری در دوره دوم خلافت عباسیان.....     | ۴۳۲ |
| جمع بندی.....                                           | ۴۳۴ |
| یادداشت ها.....                                         | ۴۳۸ |
| فهرست منابع و مأخذ.....                                 | ۴۴۹ |
| نمایه ها.....                                           | ۴۵۹ |

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
 وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
 فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
 (زمر، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

### سخن دانش

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که الگوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب گزارش شهریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد.**

هدف از این اقدام - ضمن فدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علم امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

## مقدمه

سازمان‌های وسیع، بنیادها و نهادهای عمومی و خصوصی متنوع، نظام‌های بورکراتیک درکنار ساختارهای نوین امروزی، حاصل تکامل تدریجی سازمان‌های کهن و سیر تطوری شیوه‌های اداری اعصار گذشته است. شیوه‌هایی که در بستر سیاسی خاصی شکل گرفته و در خدمت آن نظام سیاسی بوده، و تعاملی دوسویه بین نظام سیاسی حاکم و ساختارهای اداری آن برقرار بوده است؛ لذا شناخت و تبیین ساختارهای سیاسی و اداری نظام‌های حکومتی امروزی، بی‌توجه به سیر تحولات سیاسی، اداری و مالی گذشته امکان پذیر نبوده و نیست. لذا در این نوشتار سعی نگارنده بر آن است که حتی‌الامکان نظری اجمالی به سیر تحولات سیاسی و اداری در گذشته داشته و از منظر تاریخ، تحولات سیاسی و اداری ایران در ادوار قبل و بعد از اسلام (از هخامنشیان تا پایان عصر قاجار)، را به تصویر کشد. در اینجا لازم است خاطر نشان گردد که در این اثر نظام‌های سیاسی، به منزله خاستگاه و عامل شکل دهنده نظام اداری، مورد توجه بوده است. چرا که تبیین نظام اداری هر دوره بدون عطف توجه به نظام سیاسی آن دوره ناممکن، یا لافل ناقص به نظر می‌رسد. کما اینکه حتی تبیین تاریخ ادبیات و تاریخ تمدن، بدون عنایت به تاریخ سیاسی ادوار مورد بحث ممکن نمی‌نماید و تاریخ نگاران

این عرصه‌ها از آن غافل نبوده‌اند. بنابراین با عنایت به رابطه وثیق و پیوند ناگسستنی نظام‌های سیاسی و اداری از یکدیگر، نگارنده پیش از تبیین نظام‌های اداری هر دوره، تحولات سیاسی آن دوره را خاطر نشان ساخته است.

در باب تحولات سیاسی و اداری در طول تاریخ مورد بحث، آنچه مدنظر نگارنده بوده، عطف توجه به تحولاتی است که حول سه مقوله «مبانی قدرت»، «شیوه رهبری» و «ساختار اداری» رخ نموده است. به عنوان اشارتی به تبیین «مبانی قدرت و مشروعیت آن» و «شیوه رهبری» در جوامع بشری لازم است خاطر نشان گردد که براساس آموزه‌های ادیان الهی، انسان‌ها از آغاز دارای ایمان مذهبی بوده‌اند. به تعبیر شهید مطهری وجه تمایز انسان و حیوان، وجود دو خصیصه علم و ایمان است و انسان به طور فطری خداجو بوده و همواره معتقد به مبدأ و قدرت الهی بوده است. قرآن کریم ایمان مذهبی را جزء سرشت بشر معرفی کرده می‌فرماید: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَىهَا (الروم - ۳۰) (پس تو ای رسول! با همه پیروانت مسقیم رو به آئین پاک اسلام آور و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن). استاد مطهری پس از نقل عبارتی از اریک فروم که بر این نظر تأکید می‌ورزد، اشاره می‌فرماید که انسان بدون تقدیس و بدون پرستش نمی‌تواند زندگی کند، فرضاً خدای یگانه را نشناسد و نپرستد، چیز دیگری را به عنوان حقیقت برتر، خواهد ساخت و او را موضوع ایمان و پرستش خود قرار خواهد داد. (مطهری، بی تا: ۳۲ - ۳۳) به همین جهت، در طول تاریخ گروهی از افراد به منظور سیطره یافتن بر توده‌های مردم، با سوء استفاده از ایمان فطری مردم به مبدأ اصلی قدرت، با انتساب خود به قدرت‌های ماورائی، سلطه خود را بر مردم تحمیل کرده و بسیاری انسان‌هایی که به کژراهه رفته، و به غلط پیرو مدعیان واجد قدرت‌های ماورائی شده‌اند، لذا شاهدیم که در طول تاریخ گروهی از مردم مطیع جادوگران و کاهنان منتسب به آئین‌های غیر الهی شده، و گروهی اسیر سیطره زورمداران مدعی مناصب اهورایی گشته‌اند.

و اما آنچه درباب منشأ قدرت و مشروعیت آن در ایران باستان شایان ذکر است، اینکه در ایران قبل از اسلام باور براین بود که، مشروعیت قدرت شاهان به واسطه عطیه‌ای است که اهورامزدا، به آنان عطا فرموده است. سنگ نوشته‌های بر جای مانده از اعصار گذشته، شاهد این مدعی است که پادشاهان ایران باستان، قدرت و اختیار خویش را از جانب «اهورامزدا» می‌دانستند و مدعی بودند که سلطنت عطیه‌ای است الهی که از جانب خداوند بدانان اعطا شده است. چنان که کورش، در تجدید بنای بیت المقدس می‌گوید: «یهوه، خدای آسمان‌ها، جمیع ممالک زمین را به من داد و مرا امر فرموده است که خانه‌ای برای وی در اورشلیم که در یهود است بنا نمایم» (پیرنیا ۱۳۵۶: ۷۷) و یا داریوش در کتیبه بیستون، در شرح واقعه بردیای دروغی و به سلطنت رسیدن خود می‌گوید: «از اهورمزد یاری طلبیدم، اهور مزد، مرا یاری کرد، به فضل اهورمزد شاه شدم» (پیرنیا ۱۳۵۶: ۷۰)، و در کتیبه نقش رستم آمده است: «خدای بزرگی است اهورمزد که این زمین را آفریده، که آن آسمان را آفریده، که بشر را آفریده که داریوش را شاه کرده» (پیرنیا ۱۳۵۶: ۱۳۱). با ابتناء قدرت بر چنین مشروعیتی است که شاه ساسانی، خود را «شاه شاهان، شاه آریایی‌ها و غیر آریایی‌ها [ایران و انیران]، سلطان جهان، زاده خدایان» می‌نامد، و شاپور دوم این عبارت را نیز بر عنوان مزبور می‌افزاید: «برادر خورشید و ماه، دم‌ساز ستارگان». (دورانت ۳۷۸ ج ۱: ۱۷۵) حاصل چنین اعتقادی و اشاعه چنین باوری، موجب می‌شد که در ساختار هرمی قدرت، شاه به عنوان مظهر قدرت الهی در رأس هرم قرار گیرد و تمامی روابط سیاسی، اجتماعی، حقوقی و دیگر نظام‌های اداری تحت سیطره او باشد، و کل نظام‌های موجود کشور، در جهت تحقق اهداف و منویات شاه فعالیت کنند. احکام شاهانه در نظر آحاد مردم، می‌بایست اراده الهی تلقی شود که از جانب اهورامزدا به شخص شاه الهام می‌شود. در چنین نظامی قانون مملکت عنوان «مشت الهی» داشت و سرپیچی از آن، سرپیچی از فرمان و خواست خداوند بود. در چنین نظامی، شیوه رهبری و رابطه رهبر با پیروان، مبتنی بر

اقتدار مطلق شخص شاه بود، و همه پیروان، می‌بایست به مثابه بندگان، سر بر درگاه عبودیت او فرود آرند و همگان مطیع اوامر و نواهی او باشند.

اما در واقع، نظام‌های سیاسی و حکومتی در ایران باستان چیزی نبود جز سلطه کسانی که به مدد نیروی‌های نظامی و عده و غده خویش، بر اریکه قدرت نشسته بودند. در این نظام حکومتی، گاهی نهاد دین نیز همانند سایر نهادها ابزار سلطه سلاطین بود، و روحانیون وابسته به دربار، با سوء استفاده از گرایش‌های فطری انسان‌ها به خدا، توجیه‌کننده مشروعیت حاکمیت سلاطین.

بروز و ظهور این قدرت شیوه رهبری و ساز و کار اداره امور، در چنین نظام‌هایی، حاصلی نداشت جز جنگ‌های خاموش و عطش سیری ناپذیر کشورگشایی و کشت و کشتار و استضعاف مادی و معنوی طبقات فرودین جامعه، و ملزم داشتن مردم به تبعیت بی‌چون و چرا از شاه و تن در دادن به هواهای نفسانی و زیاده‌خواهی‌های بی‌حد و حصر سلاطینی که در هر دودمان، به شکل مروجی گاهی قرن‌ها بر مردم حکمروایی داشتند.

پس از بعثت رسول گرامی اسلام شیوه رهبری و مبارزی بروز و ظهور یافت و مکتبی در حوزه اداره امور جوامع انسانی پی‌نهاده شد، که هیچ نسبتی با روش‌های متداول رهبران و زمامداران نداشت. در شیوه رهبری رسول گرامی اسلام، که مبتنی بر آموزه‌های وحیانی است، قدرت مطلق، تنها از آن خدا است، و رسول خدا همه آحاد بشر را به تبعیت از تنها و تنها این قدرت فرا می‌خواند. قدرتی که همه انبیا الهی، مردم را بدان فراخوانده بودند. پیامبر اسلام، با پیام رحمت، و کرامت بخش «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» بگو ای اهل کتاب بیاید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است (و همه حق می‌دانیم) پیروی کنیم (و آن کلمه این است) که بجز خدای یکتا هیچکس را نپرستیم و چیزی را با او شریک

قرار ندهیم و برخی، برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر آن‌ها از حق روی گردانند، بگویید شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم» (آل عمران- ۶۴) پیامبر رحمت همه انسان‌های محروم و اسیر دربند نظام‌های طبقاتی و همه کسانی که حلقه عبودیت چون خودی بر گوش داشتند را مخاطب قرار داد، و بسا پیام‌رهایی بخش «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» به فلاح و رستگاری فرا می‌خواند.

عده‌ترین شئون رسول خدا، یکی شأن رسالت و پیامبری بود که احکام الهی و آنچه از طریق وحی به او می‌رسید را به مردم ابلاغ می‌فرمود. دیگری شأن قضاوت و سومین شأن، شأن امامت و ولایت و زعامت جامعه بود. لذا پیامبر گرامی اسلام، به عنوان رهبر جامعه بشری، از آغاز بعثت تا پایان عمر مبارکش، قبل و بعد از هجرت، در جنگ و صلح و در همه ابعاد مختلف زندگی‌اش اعم از فردی و اجتماعی با هدف رها ساختن انسان‌ها از همه قید و بندهایی که مانع رشد و تکامل و فلاح و رستگاری انسان‌ها بود، دارای رفتار و گفتار و مشی و معشای ویژه‌ای بود. که در این نوشتار به منظور تبیین این مکتب رهبری، با شرح و بسط بیشتری بدان می‌پردازیم.

بنابر آنچه در باب مشروعیت قدرت و اعمال آن گفته شد، مشروعیت قدرت را، اگر بر پیوستاری تصور کنیم، که در یک سوی آن، حاکمیتی است که با سوء استفاده از دین باوری مردم و بعضاً با اتکاء به نهاد دین، مدعی قدرت مشروع است و مشروعیت سلطه خویش را مکتسب و منتسب به قدرتی ماورائی قلمداد می‌کند، و در سوی دیگر آن، ولایت انسان کاملی است، برگزیده خدا، که خود را بنده خدا می‌داند و دین و آئینی به مردم عرضه می‌کند که آن‌ها را به تسلیم در برابر خدا و رهایی از اسارت چون خودی فرا می‌خواند. آنگاه می‌توانیم با مطالعه و بررسی انواع حکومت‌ها و تحلیل مشروعیت قدرت، شیوه رهبری و نحوه اداره امور و سلوک رهبر با مردم، مشروعیت حکومت‌ها را در مقایسه با این دونوع حکومت (حکومت الهی و حکومت غیر الهی) به‌طور نسبی مشخص نماییم.

لذا در بخش نخست جلد اول این کتاب، ابتدا دریاب شیوه تحولات سیاسی و نحوه اداره امور کشور در دوره هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان سخن رفته است. مباحث این بخش از دو جهت قابل اعتنا است. اولاً از این جهت که در این دوره بلند، مشروعیت سلطه شاهان را، می‌توان در حوزه مشروعیت مدعیان انتساب به قدرت‌های ماورائی تعریف کرد و ثانیاً، در طول قرن‌ها حاکمیت این سلسله‌ها، سنت‌هایی در دربار و دیوان این ادوار پی نهاده شد، که در ادوار بعد از اسلام، چه در دستگاه خلفا، چه سلاطین ایران زمین ادامه یافت، و شاهدیم که بسیاری از نهادهای دولتی، و بسیاری از سنت‌های اداری، ریشه در این اعصار دارد. در بخش‌های بعد جلد اول، تحولات سیاسی و اداری ایران بعد از اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجا که از عهد عمر، خلیفه دوم تا پایان دوره اول خلافت عباسیان، سرزمین پهناور ایران تحت سلطه مستقیم یا غیر مستقیم خلفای عرب بود، شیوه حکومت زمامداران عرب از صدر اسلام تا پایان خلافت بنی‌العباس را مورد بررسی قرار داده‌ایم. اما پیش از پرداختن به تاریخ تحولات سیاسی و اداری این دوره از آنجا که در تمام دوران بلند پس از رحلت رسول گرامی اسلام، همه کسانی که بر اریکه قدرت نشسته و زمام امور جامعه اسلامی را به کف گرفته‌اند، از خلفای سه‌گانه تا امویان و عباسیان و حتی سلاطین ایرانی و ترک و تاتار، در پی آن بوده‌اند که به نحوی حاکمیت خود را با ترجیهاتی، مشروع و نامرود کرده و مستمسکی شرعی برای سلطه خود بر جوامع اسلامی ارائه نمایند، و همچنین به منظور نشان دادن میزان انحراف شیوه حکومت این مدعیان، از شیوه رهبری رسول گرامی اسلام ﷺ که در واقع شیوه رهبری نوینی بود که رسول گرامی اسلام پی نهاد و جانشین بر حقش حضرت علی علیه السلام، آن را پی گرفت، نحوه رهبری و زعامت این دو بزرگوار را با شرح و بسط بیشتری مورد بررسی قرار می‌دهیم تا معیاری باشد برای شناخت شیوه‌های مختلف حاکمیت و میزان دوری و نزدیکی آنها به حکومت اسلامی، و باز نمودن جایگاه هریک بر پیوستار مشروعیت قدرت. لذا به

منظور تبیین شیوه نوین رهبری رسول گرامی اسلام که در همه رفتارهای اجتماعی و حتی انفرادی آن حضرت و مشی و ممشای آن بزرگوار در دوران قبل و بعد از هجرت و در جنگ و صلح تجلی می‌یافت، شیوه‌ای که می‌توان از آن تحت عنوان مکتب رهبری الهی و یا حکومت اسلامی یاد کرد، با تفصیل بیشتر سخن گفته‌ایم و در باب شیوه رهبری حضرت علی جانشین بر حق و ادامه دهنده شیوه رهبری الهی رسول خدا نیز بر همین شق رفته‌ایم و به همین شیوه عمل کرده‌ایم.

پس از توضیح پیرامون شیوه زمامداری رسول خدا و خلفا، به تحولات سیاسی و نحوه شکل‌گیری حکومت‌های موروثی، و به تعبیری سلطه‌ی سلاطین عرب، و چگونگی اداره امور عمومی در دوران زمامداری امویان و عباسیان، که ایران نیز در حوزه اقتدار و تحت حاکمیت آنان بود پرداخته‌ایم. بحث پیرامون تحولات سیاسی و اداری در دوره اول خلافت بنی‌العباس را در جلد اول به پایان برده و جلد دوم را به بحث پیرامون چگونگی تشکیل نظام‌های سیاسی، و نهادهای حکومتی، حکام و سلاطین خودمختار و یا وابسته ایران زمین، و چگونگی غلبه ترکان و تشکیل حکومت‌های ترک تبار در ایران و بالاخره چگونگی تداوم حکومت‌ها تا پایان عصر قاجار اختصاص داده‌ایم.

در پایان این مقدمه، ناگفته نگذارم که:

اولاً: بدان جهت که مخاطبین اصلی این نوشته دانشجویان رشته مدیریت، به ویژه دانشجویان رشته مدیریت دولتی، و دانشجویان علوم سیاسی هستند، نگارنده در حد امکان تا آنجا که اثر دچار اطناب ممل و اجمال مخل نگردد، تاریخ تحولات سیاسی هر دوره را بیان نموده است. لذا این مطالب ممکن است برای اصحاب تاریخ ملال‌آور باشد. لذا همین‌جا از این گروه پوزش می‌طلبم.

ثانیاً: از آنجا که این کتاب به عنوان کتابی مرجع تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد، نگارنده هم خود را مصروف آن داشته است که خواننده کمتر محتاج مراجعه به منابع

دیگر برای آگاهی از مفاد این اثر گردد، لذا با ارائه پی نوشت‌های نسبتاً مفصل در پایان هر فصل حتی‌الامکان سعی شده است توضیحاتی که لازم به نظر می‌رسید را ارائه نماید.

ثالثاً: نگارنده بر آن بوده است که تاریخ تحولات سیاسی و اداری ایران در دوره‌ای مشخص (از عصر هخامنشیان تا پایان عصر قاجار) را باز گو باشد. لذا به تاریخ تحولات سیاسی و اداری بعد از قاجار نپرداخته است. اما اگر مشت الهی بر آن قرار گیرد و عمری باشد و توفیق رفیق گردد، تاریخ تحولات سیاسی و اداری دوران معاصر را (که بخشی از آن، یعنی تاریخ تحولات سیاسی ایران از آغاز نهضت مشروطه تا اواسط دهه چهل را در کتاب زندگی و زمانه سید حسن تقی زاده که توسط مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی در سال ۱۳۸۵ چاپ و منتشر شده، نگاشته‌ام) در فرصتی دیگر و مجلدی دیگر ارائه خواهم کرد. انشاء الله.

بیست و ششم خرداد ۱۳۹۰ مصادف با

سیزدهم رجب ۱۴۳۲ فرخنده سالروز ولادت مولود کعبه

مولی‌الموحدین، امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابیطالب

علیه آلاف التحية والسلام.

و ما توفیقی الا بالله